بازداشت مالك تالار عروسی در سقز

مالك تالار عروسی در سقز که هنگام مراسم عروسی انفجار و آتش‌سوزی کپسول‌های گاز آنجا به فوت ۱۱ نفر منجر شد و فرار کرده بود، بازداشت شد.
علیرضا رضاپور، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان سقز به میزان گفت: چهاردهم آذر امسال مراسم عروسی‌ای در تالاری در شهرستان سقز برگزار شد که هنگام سرو شام آتش‌سوزی در قسمتی از تالار رخ داد. با توجه به آتش‌سوزی، جمعیت حاضر برای خروج از تالار اقدام کردند که همین ازدحام جمعیت باعث مرگ ۱۱ نفر و مصدومیت ۴۸ نفر از حاضران شد. علت این حادثه براثر نشت شلنگ گاز متصل به بخاری در مرحله اولیه حادثه اعلام شد. پرونده‌ای در باره این حادثه مرگبار در دادسرا تشکیل شد و تحقیقات در حالی ادامه داشت که مالك تالار فرار کرد. دستور بازداشت او صادر شده بود تا این‌که پلیس او را دیروز بازداشت کرد. تحقیقات از متهم پرونده ادامه دارد؛ در حالی که شکایت خانواده‌های مصدومان و قربانیان این حادثه نیز در مرجع قضایی ثبت شده است.

پشت صحنه یک ماجرا

پسر معتاد تحت تاثیر توهم گل، زن میانسال را کشت

افشای فرزندخواندگی بعد از قتل مادرخوانده

معصومه ملکی
حوادث

مهمانی‌های شبانه و مصرف گل از او انسانی دیگر ساخت. انسانی که با چاقو مادرش را کشت اما در انتقال جسدش ناکام ماند.
این هفته در پشت صحنه یك جنایت سراغ پسر معتاد رفتیم و پای صحبت‌های او نشستیم. همچنین دکتر میرحامد خانی، جرم‌شناس در یادداشتی به بررسی تاثیر موادمخدر در ارتکاب جنایت پرداخته است.
شهروز ۲۳ ساله متهم است در یك عصر پاییزی و به خاطر توهم ناشی از مصرف گل مادرخوانده ۵۱ ساله‌اش را با ضربه‌های مرگبار چاقو در آشپزخانه خانه‌شان در خیابان دهم فروردین پایتخت به قتل رساند.
او زمانی که بازداشت شد اعتراف کرد که بعد از مصرف گل و دعوا با مادرش، صدایی به او دستور داده تا مادرش را به قتل برساند.
متهم در جریان تحقیقات متوجه شد زنی را که کشته و در این سال‌ها مادر صدایش می‌زده، مادر واقعی‌اش نبوده و ۲۱ سال پیش زمانی که در شیرخوارگاهی بوده مقتول و شوهرش او را به سرپرستی گرفته‌اند.
او ۲۱ سال با این راز پنهان زندگی کرده بود و با فاش شدن آن شوك شدیدی به زندگی‌اش زد.
وی نمی‌داند والدین واقعی‌اش چه کسانی هستند. حالا پشیمان از جنایتی است که رقم زده و زنی مهربان که ناجی او در این سال‌ها بوده را به خاك سرد سپرده است.

قبل از دستگیری توبه کردم

شهروز ۲۳ بهار از زندگی‌اش گذشته است. اعتیاد او به مصرف گل از او فرد دیگری ساخته بود. او به مادرش علاقه داشت، اما فکر نمی‌کرد در اثر توهم ناشی از مصرف گل دست به قتل مادرش بزند و بعد از ۲۱ سال راز فرزند خوانده بودن وی فاش شود.

درس خوانده‌ای؟
بله تا فوق دیپلم رشته نقشه‌کشی صنعتی درس خواندم.

چند وقت است معتادی؟
از دو سال قبل و در پی رفت و آمدم در مهمانی‌های شبانه با دوستانم، معتاد به مصرف گل شدم. ابتدا این کار برایم یك تفریح بود، اما کم کم گرفتار آن شدم و باید هفته‌ای یك بار ۵۵ هزارتومان به دوست قدیمی‌ام که فروشنده است می‌پرداختم و ماده مخدر گل که به آن غنچه می‌گویند را بخرم و مصرف کنم. چند بار خواستم در کمپ ترك کنم که نشد و دوباره مصرف گل را ادامه دادم.

چه کاره‌ای؟
ابتدا فروشنده پوشاك بودم. بعد پدرم مغازه موبایل‌فروشی برایم راه انداخت که آن را نتوانستم اداره کنم و آن مغازه تبدیل به مشاوره املاك شد. چون سمت مصرف گل رفتم دیگر برایم حسی نمی‌ماند که در آنجا کار و فعالیت کنم و این اواخر پدرم کلید مغازه را گرفت و دیگر نگذاشت آنجا بمانم و کار کنم. فقط برای خرید گل چند ساعتی با موتورم بار و مسافر جابه‌جا می‌کردم.

با مادرت اختلاف داشتی؟
اختلاف‌مان فقط بر سر کار نکردن من و اعتیادم بود. او خیلی مهربان و دوست داشتنی بود. در این سال‌ها خیلی برایم زحمت کشیده بود، اما من گرفتار اعتیاد شده و همه زندگی‌ام را از دست داده بودم. مادرم هر کاری کرد راضی نشدم اعتیادم را ترك کنم. مرا چند بار درکمپ بستری کرد به امید این که اعتیادم را ترك کنم که نشد. حتی می‌گفت اگر اعتیادم را ترك کنم مقدمات معافیت سربازی‌ام را فراهم می‌کند و حتی برایم به خواستگاری می‌رود تا ازدواج کنم.

چاقو حمل می‌کنی؟
دو سال قبل یك چاقو خریدم و از آن موقع به خاطر زیبایی‌اش بیشتر اوقات آن را همراه داشتم و عصر جنایت برای اولین بار بود که از آن چاقو استفاده کردم.

جنایت چطور رقم خورد؟
عصر ۹ آذر امسال برای خرید گل از خانه بیرون رفتم. یك غنچه گرفتم و کشیدم و ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه به خانه برگشتم. مادرم در آشپزخانه بود. با دیدن من دوباره شروع به نصیحت کرد و خواست که اعتیادم را ترك کنم و اینقدر بیکار نمانم.
نیم ساعتی بحث کردیم. حال و روزم خوش نبود و مدام صداهای عجیب و غریب می‌شنیدم. صدا به من دستور می‌داد که سمت مادرم بروم و او را به قتل برسانم در غیر این صورت جان خودم گرفته می‌شود. صدا آن قدر به من دستور داد و تحت سلطه‌اش قرار گرفته بودم که از اتاق بیرون آمدم و رفتم پشت سر مادرم در آشپزخانه ایستادم و نفهمیدم چطور شد که با چاقویی که در جیبم بود ۱۱ ضربه به مادرم زدم که او غرق در خون کف آشپزخانه افتاد. ۱۰ دقیقه سرجایم خشکم زده بود. وقتی به خودم آمد و صدا از وجودم رفت، دیدم مادرم فوت شده است. خیلی گریه کردم و پشیمان بودم از کاری که انجام دادم.

با جسد چه کردی؟
سه ساعت کنار جسد مادرم نشستم و فقط گریه کردم. به سر و صورتم می‌زدم و نمی‌دانستم باید چه کنم. بعد از سه ساعت خواستم جسد را ملحفه پیچ کنم و از خانه بیرون ببرم که ترسیدم همسایه‌های طبقه پایینی خانه‌مان متوجه ماجرا شوند و پلیس را خبر کنند. بعد تصمیمم عوض شد، جسد مادرم را به بالکن خانه بردم و آنجا رها کردم.

فرار کردی؟
آن موقع نه. با پدرم تماس گرفتم که متوجه شدم او در کوچه است. دستپاچه شده بودم. تصمیم گرفتم به دروغ به او بگویم که مرا برای ترك گل به کمپ منتقل کند و برای مدتی آنجا بمانم تا کسی شك نکند. وقتی به کمپ رسیدیم، مدیر آنجا خواست فردا صبح برویم تا تشکیل پرونده بدهد. وقتی مقابل خانه رسیدیم به پدرم گفتم فردی را کشته‌ام. هر چه پدرم گفت چه کسی را کشته‌ای پاسخی ندادم؛ سوار موتورم شدم و فرار کردم.

بعد از جنایت کجا رفتی؟
ساعتی در خیابان‌های شهر سرگردان بودم تا این‌که چشمم به حرم حضرت عبدالعظیم خورد و وارد حرم شدم و توبه کردم. صبح به سمت خانه برگشتم که ماموران در میان راه دستگیرم کردند.

بعد از قتل متوجه شدی مقتول مادر خوانده‌ات بوده؟
بله. هنوز در شوك هستم. این زوج مرا مثل فرزند واقعی‌شان دوست داشتند. باورم نمی‌شد سال‌ها این راز را مخفی کرده‌اند.

زندگی‌ات مثل کدام فیلم است؟
شاید آینه عبرت.

اگر زمان به عقب برمی‌گشت؟
دوست داشتم مادر اکنون زنده بود. اعتیادم را ترك می‌کردم.

عذاب وجدان بعد از قتل‌های خانوادگی

دکتر میرحامد خانی
جرم‌شناس و استاد دانشگاه

ماده مخدر گل برای مصرف‌کنندگان باعث سرخوشی، پرگویی و پراشتهایی می‌شود. وقتی استفاده از این ماده مخدر بیشتر می‌شود خوشحالی کاذب فرد را به خوشحالی مفرط تبدیل می‌کند. برای مثال اگر فرد موقع مصرف گل دچار حالت پرگویی شود، استفاده بی‌رویه از آن می‌تواند حالت بحث و مجادله را برای وی رقم بزند. گاهی پرخاشگری را هم افزایش داده و سبب می‌شود که فرد مصرف‌کننده دچار حالت‌های توهمی شود و دست به اقداماتی بزند که در زمان مصرف نکردن گل به او دست نمی‌دهد. در این پرونده شاهد آن هستیم که پسری جوان بعد از آن که گل مصرف کرده به مجادله با مادرش پرداخته که بعد مشخص شده مادرخوانده‌اش بوده و در این سال‌ها راز نبودن فرزند واقعی آنها فاش شده است.
متهم ممکن است در یك لحظه تصمیم آنی گرفته و در پی هیجانات عصبی که به او در این دعوای خانوادگی دست داده، قتل مادر را رقم زده باشد. به طور مثال زن و شوهری با هم دعوای خانوادگی می‌کنند و مرد ناگهان عصبانی شده و چون نمی‌تواند بر خشم خود غلبه کند، همسرش را در این دعوا هل می‌دهد که سر زن به لبه میزی اصابت کرده و فوت می‌کند. در این پرونده، متهم پشیمان از کاری است که کرده، چراکه نمی‌خواسته باعث قتل شود.
متهم در جریان تحقیقات مدعی شده بعد از مصرف شیشه به او توهم دست داده و صدایی به او دستور این جنایت را داده اما نمی‌توان این ادعای متهم را پذیرفت چراکه مسلوب‌الاراده نبوده و نمی‌توان گفت چون مصرف مواد داشته و سلاح به دست داشته نمی‌دانسته چه کاری انجام می‌دهد.
مصرف مواد و توهم ناشی از آن برای این گونه مجرمان فقط بهانه‌ای است زاده ذهن‌شان که بخواهند از مجازات رها شوند که این‌گونه نیست و زمانی که آنها به پزشکی قانونی معرفی می‌شوند بیشتر مواقع مشخص می‌شود که این‌گونه متهمان بر اعمال خود آگاه بودند. در قتل‌های خانوادگی انگیزه‌های مختلفی نقش دارد از جمله اعتیاد، خیانت، مشکلات مالی، فرهنگی، خانوادگی و بحران‌های عاطفی جدایی والدین. در بیشتر قتل‌های خانوادگی عامل جنایت از همان زمانی که دست به قتل می‌زند دچار عذاب وجدان می‌شود. گاه این گونه مجرمان سریع و به خاطر همان عذاب وجدانی که با آن درگیر هستند خود را به مرجع قضایی - انتظامی معرفی می‌کنند تا بار گناهی که انجام داده‌اند کم شود یا این‌که به خاطر عذاب وجدانی که داشته‌اند سعی می‌کنند تا پیش از آن‌که دستگیر شوند، خودشان به زندگی خود پایان دهند.
شاهد این هستیم که اکثر مواقع خانواده‌ها زمانی که فرد در دوره نوجوانی و آغاز دوره جوانی قرارگرفته و دوست دارد به شرایط استقلال دست یابد، به او اعتماد نمی‌کنند و سعی در کنترل مداوم فرد دارند، نادیده گردن فرد و مقایسه او با همسالان خود و نادیده گرفتن توانمندی‌های وی می‌تواند در بزرگسالی باعث بروز رفتارهای پرخطر و کینه جویانه فرد نسبت به اعضای خانواده‌اش از جمله والدین شود. بنابراین خانواده‌ها برای این‌که از بروز چنین مشکلاتی خودداری کنند باید درك متقابلی نسبت به رفتار و خواسته‌های فرزندانشان داشته باشند، خطاهای آنها را ببخشند و دست به سرزنش آنها نزنند، سعی کنند به گونه‌ای با فرزندان خود رفتار کنند که خانه را محل امنی برای خود بدانند و فضای امنیت، مهربانی و درددل کردن را در فضای خانه جست‌وجو کنند نه این‌که خانه را فضایی نا امن بدانند و از آن فاصله بگیرند و به سمت و سوی برقراری ارتباط‌های نامتعارف بروند که گاه آنها را به ورطه نابودی می‌کشاند.
همچنین باید گفت استفاده بی‌رویه جوان‌ها یا خانواده‌ها از فضای مجازی باعث شده که ارتباط میان این دو نسل از خانواده کمرنگ‌تر شود و همین فاصله افتادن میان آنها می‌تواند بستر بزهکاری را برای هر دو طرف ماجرا فراهم کند.
رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون می‌توانند با ساخت برنامه‌های خانواده‌محور، مشکلاتی که می‌تواند برای خانواده‌ها ایجاد شود و آنها و زندگی‌شان را به مخاطره بیندازد را بازگو کند و چالش‌های زندگی‌ها را به تصویر بکشاند و راه‌حل‌هایی را به آنها برای کاهش مشکلات خانواده آموزش دهد تا شاهد کاهش بزهکاری‌های افراد در جامعه باشیم.

متهم:
سه ساعت کنار جسد مادرم نشستم و فقط گریه کردم. به سر و صورتم می‌زدم و نمی‌دانستم باید چه کنم

گمانه زنی ها درباره حکم مجازات محمد علی نجفی

شهردار اسبق تهران که بعد از نجات از مجازات قصاص از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری محاکمه شده بود، با رای دادگاه به تحمل شش سال حبس محکوم شد.
به گزارش خبرنگار جام جم، هفتم خرداد امسال خبر قتل میترا استاد، همسر دوم شهردار اسبق تهران در حمام خانه‌اش خبرساز شد. عصر همان روز محمدعلی نجفی با مراجعه به اداره آگاهی، تسلیم پلیس شد و به قتل همسردومش با شلیك گلوله اعتراف کرد و گفت: با میترا اختلاف‌هایی داشتیم و روز حادثه باز هم دعوایمان بالا گرفت. برای این‌که او را بترسانم با اسلحه وارد حمام شدم و در کشمکشی که به وجود آمد چند گلوله از سلاح شلیك شد که یکی از آن به همسرم اصابت کرد و باعث مرگ وی شد.
در جلسه محاکمه نجفی که روزهای پایانی تیر امسال در شعبه نهم دادگاه کیفری یك استان تهران برگزار شد، متهم و وکلایش اتهام قتل را رد کرده و قتل را شبه عمد دانستند. قضات شعبه فوق بعد از محاکمه و بررسی پرونده حکم قصاص محمدعلی نجفی را صادر کردند. این در حالی بود که مدتی بعد خانواده مقتول به عامل جنایت که دامادشان بود رضایت دادند. همچنین دیوان عالی کشور با نقض حکم قصاص، خواستار رفع نقص در تحقیقات مقدماتی از سوی دادگاه شد. بنابراین هیات پنج نفره از کارشناسان اسلحه و پزشکی قانونی تشکیل شد. این در حالی بود که متهم پرونده اوایل آذر امسال، از لحاظ جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری محاکمه شد. در این جلسه نجفی و وکلایش باز هم به اعتقاد بر قتل شبه عمد تاکید کردند. دیروز در حالی که قضات دادگاه همچنان نظر به قتل عمد داشتند اقدام به نوشتن رای کردند. آنها متهم را به اتهام قتل عمد و حمل سلاح غیرمجاز به تحمل شش سال حبس محکوم کردند، اما یکی از مستشاران با این رای اختلاف نظر داشته و نظر به محکومیت متهم به حبس سه ساله دارد.
در حالی که هیچ‌یك از قضات هنوز رای را امضا نکرده‌اند، همه چیز بستگی به نظر قاضی سوم پرونده دارد و باید دید قاضی ترابی، نظر کدام‌یك از قضات پرونده را تایید و امضا خواهد کرد و کدام رای در اکثریت آرا واقع خواهد شد. این در حالی است که دادگاه نظر به تعدد جرایم دارد و حمل سلاح غیرمجاز را از جمله اتهامات متهم می‌داند.
حمیدرضا گودرزی، وکیل نجفی در این باره به جام جم گفت: میزان قطعی حبس هنوز به ما ابلاغ نشده و از متن رای بی‌اطلاع هستیم. اگر رای صادر شده را به نفع موکل خود نبینیم به آن اعتراض خواهیم کرد.
محمدی کشکولی، رئیس شعبه نهم دادگاه کیفری نیز در مورد حکم صادر شده گفت: بعد از قطعی شدن حکم و به امضا رسیدن آن توسط قضات، سخنگوی قوه قضاییه به صورت رسمی حکم صادر شده را اعلام خواهد کرد.

۶ سال حبس فرجام قتل میترا استاد

دام سیاه خواستگار قلابی برای دختر جوان

خواستگار قلابی که به اتهام آزار و اذیت دختر جوان و تهیه فیلم سیاه از او بازداشت شده بود، در دادگاه کیفری یك استان تهران محاکمه شد.
به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی تابستان امسال دختر ۲۷ ساله‌ای به نام بهار با حضور در اداره پلیس تهران مدعی شد از سوی خواستگارش مورد آزار و اذیت قرار گرفته و آن مرد با تهیه فیلم سیاه او را تهدید می‌کند.
وی در اظهاراتش گفت: کارمند یك آژانس هواپیمایی در سعادت‌آباد هستم و سامان یکی از مشتریانمان بود، او حتی برای خواستگاری به خانه‌مان آمد که پدرم از وی خواست با خانواده‌اش بیاید. او می‌گفت خانواده‌اش خارج از کشور زندگی می‌کنند و چند ماه طول می‌کشد که به ایران بیایند. او از پدرم خواست اجازه دهد با من بیشتر آشنا شود. پس از موافقت خانواده‌ام گاهی با هم بیرون می‌رفتیم، اما فهمیدم او همسر و دو فرزند دارد و تصمیم به پایان دادن رابطه‌مان گرفتم. یك روز او مرا با ترفند و فریب به خانه‌اش کشاند و مورد آزار و اذیت قرار داد. بعد هم فیلم سیاه از من تهیه و تهدیدم کرد که اگر به کسی حرفی بزنم فیلم را منتشر می‌کند، اما بار دوم که مرا آزار داد، تصمیم به شکایت از او گرفتم. با این شکایت بود که متهم بازداشت شد. این در حالی بود که پزشکی قانونی آزار و اذیت شاکی را تایید کرده بود. روز گذشته متهم در شعبه دوازدهم دادگاه کیفری حاضر شد و در دفاع از خود گفت: اتهامم را قبول ندارم. بهار با اصرار خودش با من ارتباط داشت و حتی با هم به سفر کیش رفته بودیم. ما با هم صیغه محرمیت خوانده بودیم و یك سکه هم مهریه‌اش بود.
این در حالی بود که شاکی جاری شدن صیغه محرمیت را نپذیرفت و قضات بعد از شنیدن دفاعیات متهم برای صدور رای وارد شور شدند.

تلنگر

اعلام جرم از بیمارستان

دادستان عمومی و انقلاب جاجرم از اعلام جرم علیه مسؤولان بیمارستانی در مرگ پسر خردسال خبرداد. فیروزجایی به میزان گفت: روز شنبه پسر ۹ ساله ای با افتادن در استخر بیمارستان فوت شد. رعایت نکردن اصول و نکات ایمنی از جمله نبود فنس و نصب نشدن علائم هشدار دهنده در محدوده استخر بیمارستان موجب شده در ارتباط با متولیان امر اعلام جرم شود. البته متهمان به دادسرای جاجرم احضار شده اند و تحقیقات در باره دیگر ابعاد این پرونده ادامه دارد.

قتل دوست به خاطر سوءظن

مدیر باشگاه ورزشی که در پی سوءظن به رفتار همسرش با دوست صمیمی خود، آن مرد را با ضربه چاقو کشته بود، بازداشت شد.
به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۲۲ و ۲۰ دقیقه ۲۵ آبان امسال، مامور کلانتری افسریه از مرگ مشکوك مرد ۴۵ ساله در بیمارستان بعثت به بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران خبر داد. پلیس جنایی در بازبینی دوربین‌های مداربسته بیمارستان تصاویر دو سرنشین پرایدی که او را آورده و فرار کرده بودند به‌دست آورد. همراه مقتول کارت بانکی بود که هویتش را فاش کرد. همچنین خانواده‌اش او را شناسایی کردند و اظهاراتشان ثبت شد. همزمان با شناسایی مالك خودرو و تحقیق از وی معلوم شد که او و دوستش فرد زخمی را در خیابان یافته و برای نجاتش او را به بیمارستان آوردند که بعد از مرگ وی ترسیده و فرار کردند. با توجه به فرار متهم به قتل، پلیس از خانواده مقتول خواست مراسم سوگواری‌شان را در خانه دیگری بگیرند و مقابل خانه مقتول اعلامیه و بنر نصب نکنند تا متهم آفتابی شود. سرانجام رد مرد ۳۸ ساله که مدیر باشگاه ورزشی بود و با مقتول اختلاف داشت به دست آمد و او دو روز پیش در محله افسریه بازداشت شد و در تحقیقات پلیس گفت: من و مقتول در مغازه فروش گوشی تلفن همراه مردی با هم آشنا شدیم. مدتی پیش به رابطه او و زنم سوءظن پیدا کرده و دعوا کردیم. آن شب او به سر قرار در افسریه آمد، در جریان دعوایمان پایش به لبه جوی آب گیر کرد و کف زمین افتاد و چاقویش کناری پرت شد که آن را برداشتم و ضربه‌ای به ساق پایش زدم و فرار کردم. دو بار مقابل خانه‌اش رفتم، اعلامیه و بنر فوت نبود، گمان کردم زنده باشد، اما بعد از دستگیری فهمیدم او فوت شده است.

تصادف مرگبار اتوبوس

تصادف اتوبوس با هفت خودروی متوقف شده در ولنجك به مرگ یك مرد و مصدومیت سه نفر منجر شد. به گزارش جام جم، جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران گفت: ساعت ۱۴ و ۴۲ دقیقه چهارشنبه ۲۰ آذر امسال، وقوع تصادف میان اتوبوس و چند دستگاه خودروی سواری در ولنجك، بلوار دانشجو به آتش‌نشانی گزارش شد و آتش‌نشانان برای بررسی ماجرا در آنجا حاضر شدند. آنها مشاهده کردند راننده اتوبوس شخصی با هفت خودرو که در محل متوقف بود، تصادف کرده است. جسد مرد ۶۰ ساله در این تصادف به پزشکی قانونی و سه مصدوم به بیمارستان منتقل شدند.

مرگ جنین به دست پدر

مردی که بعد از کتك زدن‌های همسرش، باعث شده بود جنین سه ماه و نیمه همسر باردارش فوت کند، بازداشت شد. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه ۱۸ آذر امسال، زن جوانی که دچار درد در ناحیه شکم و روده شده بود، برای درمان به بیمارستان مهدیه تهران رفت. پزشك معالج بعد از بررسی وضعیت این زن متوجه شد که او باردار بوده و ۲۴ ساعت قبل جنینش را سقط غیرقانونی کرده است. همزمان با حضور پلیس در بیمارستان او در تحقیقات گفت: سه ماه و نیم باردار بودم، اما شوهرم بچه نمی‌خواست و مدام به من می‌گفت باید جنینم را سقط کنم. حاضر به این کار نبودم تا این‌که او به زور قرص تهیه کرده و به من داد و به اجبار وی قرص‌ها را خوردم. بعد از آن شوهرم مرا به شدت کتك زد که همین باعث شد جنینم را از دست بدهم. از شوهرم شکایت دارم. دستور بازداشت شوهر او صادر شد و این مرد روز بعد در مخفیگاهش بازداشت شد و اعتراف کرد.